

سنجش مقایسه‌ای درک زوجین از حریم خصوصی و درک قانون‌گذار در قانون مدنی ایران

Comparative Assessment of Couples and Legislators Understanding of Privacy in Iran's Civil Law

<https://dx.doi.org/10.52547/JFR.18.4.623>

L. Bahmani, Ph.D. student

Department of Women and family, University of Religions
and Denominations, Qom, Iran

B. Talebi Darabi, Ph.D.

Department of Religious Studies, University of Religions
and Denominations, Qom, Iran

M. Zarean, Ph.D.

Department of Social Sciences, Alzahra University, Tehran,
Iran

✉ لیلا بهمنی

گروه زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب

دکتر باقر طالبی دارابی

گروه دین‌پژوهی، دانشگاه ادیان و مذاهب

دکتر منصوره زارعان

گروه علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۸/۲۹

دریافت نسخه اصلاح شده: ۱۴۰۱/۹/۶

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲

Abstract

In this article, we seek to find out with field research based on interviews, what is the degree of agreement or disagreement between couples and the legislators. Surveys have shown that the couples' understanding of privacy does not primarily result from the knowledge of the civil law,

چکیده

در این مقاله در پی آنیم که با بررسی‌های میدانی مبتنی بر مصاحبه، دریابیم که چه میزان میان درک زوجین با درک قانون‌گذار توافق یا عدم‌توافق وجود دارد. بررسی‌ها نشان داده است که درک زوجین از حریم خصوصی اولاً ناشی از آگاهی از قانون مدنی نیست؛ ثانیاً اگر از قانون اطلاع داشته باشند، ناشی از فهم ماده قانونی نیست؛ بلکه

✉ Corresponding author: Qom, University of Religions and Denominations, Department of Women and family.

Email: la_bahmani@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده زن و خانواده

پست الکترونیکی: la_bahmani@yahoo.com

nor does it result from the understanding of the legal text if they are aware of the law.

Couples' understanding is more influenced by external knowledge of the concept of privacy. However, this research has shown that many do not even know what privacy is, so we want to check the extent of its similarity with the understanding of the legislator. The result of the research has shown that there is a vast difference between the legislator's understanding of privacy and the activists' understanding of it, and the legislator should come to a new understanding of privacy and amend the existing law and fill the legal gap. Couples should also temper their understanding of privacy with the understanding of the legislator, although individual opinions cannot be used as a criterion for judging the rights of the parties and cannot be submitted to legal authorities.

Keywords: Couples, Privacy, Civil Code.

درک زوجین بیشتر تحت تأثیر شناخت‌های بیرونی از مفهوم حریم خصوصی است. این تحقیق اما نشان داده است که بسیاری، حتی نمی‌دانند حریم خصوصی چه هست که بخواهیم میزان انطباق آن با درک قانون‌گذار را بررسی کنیم. بنابراین نتیجه تحقیق نشان داد میان درک قانون‌گذار از حریم خصوصی و درک کنشگران از آن تفاوت فاحشی وجود دارد و قانون‌گذار باید درک جدید از حریم خصوصی را بیابد و قانون موجود را اصلاح و خلأ قانونی را پر کند. زوجین نیز باید درک خود از حریم خصوصی را با درک قانون‌گذار بسنجند و بدانند که پنداشت‌های فردی نمی‌تواند ملاک قضاوت درباره حق طرفین قرار گیرد و قابل طرح در مراجع قانونی نیست.

کلیدواژه‌ها: زوجین، حریم خصوصی، قانون مدنی

مقدمه

یکی از برجسته‌ترین حقوقی که برای انسان هم در زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی می‌توان در نظر گرفت، «حق داشتن حریم خصوصی» است. حریم خصوصی را می‌توان یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق بشر دانست که با حفظ مقام انسان و ارزش‌هایی که کرامت انسانی را به ارمغان می‌آورد، ارتباط تنگاتنگی دارد. حق حریم خصوصی می‌تواند مانع از آن شود که اطلاعات مربوط به زندگی خصوصی، به وسیله‌ای برای اعمال سلطه و استفاده ابزاری از انسان‌ها تبدیل شود. از همین روی، ارتباط مستقیمی با آزادی، استقلال و حق تعیین سرنوشت انسان‌ها پیدا می‌کند (جوان،^۱ ۱۳۹۰). اگر انسان در جزیره‌ای دور دست، تنها و به دور از هم‌نوعان خود زندگی می‌کرد، احتمالاً نیازی به شناسایی حق، وظیفه و تکلیف برای وی احساس نمی‌شد؛ اگرچه حتی در جزیره دورافتاده، برای مثال در فیلم *رابینسون کروزوئه* یا *جزیره متروکه*، نیز می‌بینیم که انسان روحیه اجتماعی‌اش را از دست نمی‌دهد. بنابراین انسان موجودی اجتماعی

است و صرف‌نظر از اینکه چگونه زندگی کند، تابع استلزامات این نوع زندگی است. زندگی در اجتماع و حتی ذهنیت و روح اجتماعی ایجاب می‌کند که حق، تکلیف و وظیفه‌ای برای خود و هریک از افراد جامعه قائل شود. از همین روی، برخی بر این باورند که اگر چنین ذهنیت و حق و تکلیفی نبود، بی‌نظمی، هرج‌ومرج، کشمکش، استبداد و بی‌اعتمادی و ناملايمات ديگر بر اجتماع حاکم می‌شد (موسی‌زاده و مصطفی‌زاده،^۲ ۱۳۹۱).

اجتماعی بودن و ضرورتاً زندگی در اجتماع، انسان را وادار نمی‌کند که از آنچه به فردی‌ترین مسائل وی مرتبط می‌شود دست بردارد. به عبارت بهتر، بین زندگی در اجتماع و حرمت مسائل خصوصی‌اش منافاتی نمی‌بیند. اجتماع نیز در مقابل گذشت فرد از بخشی از آزادی‌های خود و تن‌دادن به زندگی جمعی، برای آنچه انسان امور شخصی و فردی خود می‌داند، احترام می‌نهد. از همین نقطه است که مسئله حریم خصوصی از تمنای شخصی و ذاتی صرف به بخشی از نشانه‌های گفتمان انسانی در جوامع مختلف تبدیل می‌شود (نوروزی،^۳ ۱۳۹۵).

نوع پنداشت و درک انسان‌ها از ماهیت، حدود و موانع این بخش خاص از زندگی جمعی و فردی‌شان، در جایگاه نهاد خانواده یا به صورت فردی، با توجه به تحولات جامعه‌شناسی شناخت و جامعه‌شناسی کنشگرا و تفسیری و ورود آن به قلمرو حقوق و قوانین، اهمیت یافته است. به نحوی که نظام عینی قانونی نیز با در نظر گرفتن مسئولیت کیفری برای نقض این محدوده، ذهنیت خودش را نیز متجلی ساخته است. اما مسئله این است که چه نسبتی میان این دو ذهنیت وجود دارد. در ایران قانون‌گذار و شهروند چه تعریف یا شناختی از حریم خصوصی دارند و این ذهنیت با ذهنیت محققان در این عرصه چه تفاوت‌هایی دارد. مرور سوابق تحقیق و نظریه‌های پژوهشگران و صاحب‌نظران به راحتی از ذهنیت آن‌ها از این مفهوم پرده برمی‌دارد که در بخش پیشینه تحقیق، به روشنی این ذهنیت نشان داده می‌شود، اما درک ذهنیت قانون‌گذار ایران در قانون مدنی و زوجین با مطالعه نظری کافی نیست و نیازمند مطالعه میدانی و مبتنی بر رویکرد تفسیری در جامعه‌شناسی، معروف به جامعه‌شناسی تفهیمی است. در تحقیق حاضر با این رویکرد که مستلزم روش کیفی و مصاحبه و تحلیل یافته‌های مصاحبه است، سعی بر آن شد که به ذهنیت زوجین مورد بحث رسیده و با تحلیل متن قوانین بنا بر اصل هرمنوتیک، به ذهنیت قانون‌گذار دست یافته و این دو با یکدیگر مقایسه شود.

مسئله جنسیت و حریم خصوصی

مطالعات نظری اولیه نشان داده است که تمایز میان زن و مرد با تمایز میان فضا یا حریم عمومی و خصوصی گره خورده است؛ دوگانه‌های دیگری مانند فرهنگ و سرشت، عقل و احساس نیز همه دوگانه‌هایی هستند که بنیادهای نظریه حریم خصوصی را تشکیل می‌دهند. به لحاظ تاریخی، حریم خصوصی در نگاه مورخانی که به امور زنان و تاریخ زنان پرداخته‌اند، همان حریم خانوادگی است. آن‌ها حریم عمومی را یک برساخته ایدئولوژیک و گفتمانی می‌دانند.

یورگن هابرماس فیلسوف و جامعه‌شناس آلمانی در کتابش با عنوان *دگرگونی ساختاری فضای عمومی: تحقیقی در مقوله جامعه بورژوا* که یکی از مهم‌ترین منابع برای درک انتقادی حریم یا فضاهای عمومی و خصوصی است، به بررسی تاریخی و اکنونی این مقوله می‌پردازد (هابرماس،^۴ ۱۹۶۲). سوزان گال نویسنده

دیگری است که معتقد است درون هر نهاد یا سازمان خصوصی با حریم عمومی و خصوصی مواجه هستیم. بنابراین، نظریه خانه که نسبت به خیابان حریم خصوصی است، در درون خود دارای دو بخش حریم عمومی و خصوصی است؛ اتاق نشیمن در هر خانه‌ای حریم عمومی است و اتاق خواب یا حمام در همان خانه جزء حریم خصوصی محسوب می‌شود (گال،^۵ ۲۰۰۲).

در بحث از حریم خصوصی و عمومی، میان همه محققان، از جامعه‌شناسان تا مورخان و تا نگرش‌های فمینیستی، مسئله حریم زن و مرد یا زن و شوهر مهم بوده است؛ برخی در قالب خانواده و خیابان این دو حریم را به تصویر کشیدند و برخی بر مبنای نقش زنانه و مردانه در یک فضای معین. با این وجود، مفهوم خانواده از میان این تحقیقات کنار نرفته است.

خانواده همیشه و همه‌جا و در بین تمامی جوامع بشری، به‌عنوان اساسی‌ترین نهاد اجتماعی زیربنای جوامع و منشأ فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. پرداختن به این نهاد مهم همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی بوده است (حسن‌زاده،^۶ ۱۳۹۲). نهادی که اگرچه به‌نوعی در مقابل عرصه‌های عمومی، خصوصی تلقی شده و صیانت و حفاظت از حریم آن از طرف افراد جامعه و خانواده از ضروریات است، در عین حال، به نظر می‌رسد سؤالات مربوط به حریم را می‌توان درباره اعضای تشکیل‌دهنده آن نسبت به یکدیگر نیز مطرح کرد. بدین معنی که گاهی علل شکل‌گیری خانواده، مانند تمایل جنسی زن و مرد و روابط احساسی و عاطفی قوی بین اعضا، اعم از زن و مرد نسبت به یکدیگر یا والدین و فرزندان در ارتباط با هم، این پرسش را به ذهن متبادر می‌کند که آیا حریم خصوصی در خانواده و بین اعضای خانواده در تعامل با یکدیگر نیز می‌تواند مطرح باشد یا عمق احساس و عاطفه شکل گرفته و به‌طور کلی ماهیت خانواده به‌گونه‌ای است که در محدوده آن، به‌اجبار می‌باید از این‌گونه سؤالات فاصله گرفت؟ آنچه در پژوهش حاضر مرکز توجه قرار گرفته، حریم خصوصی در چهارچوب خانواده و به‌طور خاص محوریت این حریم در فضای زندگی زناشویی است؛ یعنی آنچه حفظش به استحکام و دوام خانواده می‌انجامد؛ حفظ حریم من و رعایت حریم او.

در حقیقت، حریم خصوصی برای همه وجود دارد؛ ولی آنجا که مرز اموری که در رابطه زناشویی به مشارکت گذاشته شده است مشخص نیست، حریم خصوصی تبدیل به معضل می‌شود. فضای خصوصی در میان اعضای خانواده، به‌طور عام و در فضای خصوصی زناشویی به‌طور خاص، از حوزه‌هایی است که دسترسی به آن سخت می‌نماید، بنابراین کمتر به آن پرداخته می‌شود. در ادبیات حقوقی و اجتماعی ایران، زمانی که صحبت از حریم شخصی زن و شوهر می‌شود، این معنا به ذهن متبادر می‌گردد که زن و شوهر یک واحد اجتماعی بوده و هرگز مرز و تفاوتی بین آن‌ها وجود ندارد.

اما از آنجا که حریم خصوصی در خانواده و در ارتباط و تعامل زن و شوهر با یکدیگر می‌تواند منشأ انواع تعاملات و تعارضات واقع شود، همچنین لحاظ کردن این واقعیت که فضای خصوصی در میان اعضای خانواده به‌طور عام و در فضای خصوصی‌تر زندگی زناشویی زوجین به‌طور خاص، از حوزه‌هایی است که به‌دلیل دسترسی سخت به آن با وجود اهمیت وافر کمتر به آن پرداخته شده، کمی بیشتر به آن ورود کرده و در حد توان خطوط آن را روشن‌تر می‌نماییم.

پیشینه پژوهش

سیدابوالقاسم نقیعی^۷ (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «حریم خصوصی در مناسبات و روابط اعضای خانواده» با اشاره به حمایت‌های نظام حقوقی ایران از حریم خصوصی، ضرورت استخراج الزامات قانونی از الزامات اخلاقی را لازم می‌داند؛ ضمانت اجرای معنوی چون پاداش دنیوی و اخروی و ضمانت اجرای مادی مانند جبران خسارت و حد و تعزیر. در تحقیق دیگری، محبوبه عصاران قمی^۸ (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان «حمایت کیفری از حریم خصوصی در فقه امامیه و حقوق ایران» به این نتیجه می‌رسد که حریم خصوصی می‌تواند مانع از آن شود که کسب اطلاعات راجع به زندگی خصوصی، به وسیله‌ای برای درهم‌شکستن آزادی و استقلال انسان‌ها، سلطه‌یافتن بر آن‌ها و استفاده ابزاری از آن‌ها تبدیل شود.

کبری پورعبدالله و سمانه جبل‌زاده^۹ (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «حل تزاخم حریم خصوصی زوجین با حقوق زوجیت بر اساس مصلحت تحکیم خانواده»، حق در گستره خانواده را به‌عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین بنیان اجتماعی در روابط زوجین مدنظر قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که در زندگی زناشویی اصل بر داشتن حریم خصوصی است، اما در مواقعی، با توجه به مقتضیات خاص خانواده، در موارد تزاخم با حقوق زوجیت، این حق محدود یا نقض می‌شود. بدین نحو که در فرض تزاخم حق، اهم با معیار تحکیم خانواده سنجیده خواهد شد و این مصلحت تحکیم خانواده است که تعیین می‌کند در موارد خاص کدام‌یک از حقوق حریم خصوصی یا دیگر حقوق زوجیت به‌عنوان مرجح و اهم مقدم خواهد شد. یافته‌های پژوهش فرشته میرخشتی^{۱۰} (۱۳۹۲) با عنوان «حریم خصوصی همسران: عرصه تعاملات و تعارضات» حاکی از آن است که حریم خصوصی عرصه تعاملات و تعارضات بین همسران است و چگونگی آن به دو عامل بستگی دارد: میزان نفوذپذیری یا نفوذناپذیری حریم خصوصی که پیامدهای نهایی آن به یکی از دو الگوی ابراز صمیمیت و بی‌اعتمادی و احساس ناامنی از سوی دیگر در رابطه می‌انجامد. در این صورت است که رابطه‌ها به سمت آرامش یا تشنج و تخریب پیش خواهد رفت.

حسینی اکبرنژاد و آیت‌اللهی^{۱۱} (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی تحلیلی - تطبیقی حریم خصوصی زنان در خانواده» به این نتیجه رسیده‌اند که شریعت اسلام آنجا که حق تصمیم‌گیری زنان و منافع آنان با منافع خانواده یا منافع جامعه در تعارض جدی قرار گیرد، برای رعایت مصالح عامه، نفع فرد را محدود می‌کند. چراکه اسلام فردگرا (زن‌گرا یا مردگرا) نیست و به‌جای تأکید بر جنسیت، به خانواده اهمیت ویژه می‌دهد. مهدیه قدرتی^{۱۲} (۱۳۹۶) در پایان‌نامه خود با عنوان «احکام فقهی حریم خصوصی در مناسبات و روابط اعضای خانواده» این‌طور نتیجه‌گیری می‌کند که شاید ارتباط و وابستگی عمیق زوجین متبادر این معنا باشد که هیچ‌کدام از همسران حریمی خصوصی برای خود ندارند، اما با توجه به شخصیت مستقل هریک از همسران، نمی‌توان به صرف زندگی مشترک، حقوق انسانی آن‌ها را نادیده انگاشت و حریم خصوصی را که یکی از مصادیق آزادی‌های فردی است نقض کرد؛ اگرچه با برقراری زندگی زناشویی و اقتضائات خاص آن، احتمال وجود محدودیت در حریم هریک از زوجین متصور است.

کریستوفر کریترز^{۱۳} (۲۰۲۰) کتابی با عنوان *مرزهای ازدواج* نوشته است و در آن تلاش کرده تا در خصوص حدود و مرزهای زن و شوهر پس از ازدواج در مقایسه با یکدیگر و در مقایسه با خانواده تعریفی داشته باشد. وی به این نتیجه می‌رسد که داشتن مرز و حدود مشخص برای افراد در این روابط امری ضروری بوده و

موجب تبادل عشق و علاقه و تحکیم روابط اجتماعی می‌گردد. مری کلر مور سرویچ، فن سی. دیکسون، جنیفر هاین تی آن موریسون و ال. لوری پول^{۱۴} (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان «آشنایی با حریم خصوصی خانواده، حفظ روابط و رضایتمندی خانواده در روابط خانوادگی افراد بزرگسال» به این نتیجه رسیده است که جهت‌گیری حریم خصوصی خانواده در پیوندهای آن با رفتار ارتباطی و کیفیت رابطه، تأثیرات واقعی به جا می‌گذارد. این مطالعه شواهدی ارائه می‌دهد مبنی بر اینکه درک چگونگی پیوند ارزش‌های خانواده در رابطه با حریم خصوصی به رفتار مراقبتی و رضایت‌خاطر باعث افزایش درک ما از فرایندهای ارتباطات خانوادگی و پیامدهای آن می‌شود و تأییدی است بر این ایده که حفظ حریم خصوصی و افشای اطلاعات در این رابطه نقش مهمی در روابط اعضای خانواده ایفا می‌کند.

در سال ۲۰۱۳، پژوهشی با عنوان «ازدواج و مدیریت حریم خصوصی در میان زوج‌های هم‌جنس‌گرا: بررسی ارتباط زوجین با اعضای خانواده» توسط پاملا جی. لانوتی^{۱۵} انجام گرفت. نتایج پژوهش او نشان می‌دهد که تغییر در قوانین حریم خصوصی در میان اعضای خانواده که هدف ازدواج قانونی هم‌جنس‌گرایان است، غالباً هم برای زوج‌ها و هم برای اعضای خانواده ایشان چالش‌برانگیز است. بعضی زوج‌ها از تغییراتی که به این حس بینجامد که حریم خصوصی‌شان کمتر حفظ می‌شود، ناراحت بودند. سایر زوج‌ها، هنگامی که اعضای خانواده آنچه را که زوجین تغییر در قوانین حریم خصوصی می‌دانند رد می‌کنند، نتایج منفی را مانند احساسات آسیب‌زا، بیان کردند. آلن و مک در تحقیقی با عنوان «چگونه حریم خصوصی جنسیتی شد» به این نتیجه رسیده‌اند که نخستین قرن پژوهش در حقوق حریم خصوصی که وارن و براندیس آن را به راه انداختند، تجزیه و تحلیل‌های رفته‌رفته پیچیده‌تری را به دست داده است. در ادامه این روند، باید امیدوار بود که قرن آینده نیز تجزیه و تحلیل‌های پژوهشی دقیق‌تری که نگرش‌های جنسیتی در توسعه قانون حفظ حریم خصوصی ایفا نموده‌اند به دست دهد. همچنین باید امیدوار بود که دادگاه‌ها خودآگاهانه به عامل جنسیت در پرونده‌های نقض حریم خصوصی بپردازند. حقوق‌دانان قدیم گاه چنین اقدام می‌کردند، اما با نگاهی به محافظت از دیدگاه‌های مردسالارانه خود در خصوص حیا و در خانه نگاه‌داشتن زنان. اما دادگاه‌های آینده که به دعاوی مربوط به حریم خصوصی رسیدگی می‌کنند، فرصت تمرکز بر جنسیت به شیوه‌های جدیدتر و بهتر را دارند.

همان‌گونه که در مقدمه بیان کردیم، در پژوهش پیش رو، مرور نظریه‌های جامعه‌شناختی با رویکرد جامعه‌شناسی تفسیری انجام گرفته است. از این رو می‌توان گفت در همه نظریه‌های مورد بررسی، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، در پی یافتن نوعی نگرش تفهیمی و تفسیری با در نظر گرفتن ذهنیت کنشگران هستیم. نظریه‌های کارکردگرایانه شاید تا حدودی به بحث ما مرتبط باشد و به همین دلیل به آن اشاره شده است، اما نظریه رئالیستی - تضادی مارکسی در این تحقیق جایگاهی ندارد. توجه به نگرش فمینیستی نیز به‌مثابه یک روش تفسیری جامعه‌شناختی در دستور کار قرار گرفت.

رسیدن به ذهنیت محققان حریم خصوصی تمام چیزی است که در مرور این نظریه‌ها به دست می‌آید؛ بعد از این، به‌طور ضمنی نشان داده خواهد شد که میان ذهنیت قانون‌گذار ایرانی و ذهنیت محققان و

نظریه‌پردازان چه ارتباطی وجود دارد. نظریه نمایش گافمن دقیقاً نوعی بررسی تفسیری رفتار بیرونی برای رسیدن به ذهنیت ورای آن رفتار است.

جامعه‌پذیری جنسیتی

بی‌شک تأثیرگذارترین اندیشه بر نظریه‌پردازی‌های حوزه خانواده، فمینیسم بوده است (برناردز، ۱۶ ۱۳۸۴). بحث خانواده، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که از ابتدای فعالیت جنبش‌های فمینیستی تا به امروز، همواره مورد توجه و مطالعه فمینیست‌ها قرار گرفته است. فمینیست‌ها، خانواده را محل و مظهر تفکیک نقش‌ها و جنسیت را مهم‌ترین معیار و ملاک تفکیک وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی می‌دانند. فمینیست‌ها می‌خواهند دو حوزه عمومی و خصوصی را که از دیرباز سبب غفلت اندیشمندان از مسائل حوزه خصوصی، یعنی خانواده شده، تفکیک کنند. بنابراین مسائل مطرح در این حوزه، باید مورد بازبینی و موشکافی قرار گیرد (رودگر، ۱۷ ۱۳۸۸).

طبق نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی، پسرها و دخترها نقش‌های جنسیتی و هویت‌های مذکر و مؤنث را که با این نقش‌ها همراه است، به کمک کارگزاران اجتماعی، مثل خانواده و رسانه‌ها می‌آموزند (گیدنز، ۱۸ ۱۳۸۹). مسئله اساسی در انتقال نقش‌های جنسیت آن است که از همان دوران کودکی، تصورات و نگرش‌های چگونه‌بودن در زندگی آینده ارائه می‌شود. بر اساس این آموزه‌ها، دختر می‌باید لطیف و مهربان، علاقه‌مند به آشپزی و امور خانه‌داری و همچنین کودکان و نوزادان باشد؛ از آن طرف، پسر قوی و قدرتمند، تا حدودی پرخاشگر، علاقه‌مند به زندگی بیرون از خانواده و بازی و ورزش؛ این الگوست که خط کلی زندگی دو جنس را مشخص می‌کند (اعزازی، ۱۹ ۱۳۸۹). در طول فرایند جامعه‌پذیری، انواع تقویتی‌های مثبت و منفی به پسران و دختران ارائه می‌شود تا نقش متناسب با جنس خود را بیاموزند.

دیدگاه جامعه‌پذیری جنسیتی بر آن است که عامل تعیین‌کننده آن که چه کسی در خانواده کار کند و به امور خانه و بچه‌داری رسیدگی کند (آبوت و والاس، ۲۰ ۱۳۸۰) را مشخص نماید. این دیدگاه توضیح می‌دهد که چگونگی روابط بین زن و مرد در ساختار قدرت خانواده، متأثر از باورهای مربوط به نقش‌های جنسیتی است که افراد در طول فرایند جامعه‌پذیری می‌آموزند. طبق الگویی که نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی ارائه می‌دهد و در آن مردگونی ارزش محسوب می‌شود، زنان در ساختار خانواده مردسالار موجوداتی تابع و مطیع هستند و در حوزه‌های خصوصی خانواده محصورند، در حالی که مردان در دنیای عمومی حضور و اشتغال دارند (هومین‌فر، ۲۱ ۱۳۸۲).

به اعتقاد میل، تنها تفاوت‌هایی را می‌توان طبیعی دانست که تصنعی‌بودنشان ناممکن باشد؛ به بیان دیگر، اگر از مجموع ویژگی‌های هریک از دو جنس، آن‌هایی را که بر مبنای آموزش و تربیت و شرایط خارجی قابل تبیین‌اند حذف کنیم، تفاوت‌هایی که باقی می‌مانند می‌توانند طبیعی دانسته شوند (میل، ۲۲ ۱۳۸۵). فمینیست‌ها به تفکیک نقش، به شدت انتقاد داشته و پذیرش آن را موجب تفکیک هرچه بیشتر دو حوزه عمومی و خصوصی و دامن زده شدن هرچه بیشتر به آن می‌دانند. سیمون دوبوار در کتاب جنس دوم، بین زن و زنانگی تفاوت قائل می‌شود و برای اولین بار این سؤال را مطرح می‌کند که «زن چیست؟» و پاسخ می‌دهد: «همه بر سر این نکته هم‌عقیده‌اند که نوع انسان دارای ماده هم هست که در حال حاضر نیز مانند

گذشته تقریباً نیمی از جامعه بشری را همین مادینگان تشکیل می‌دهند؛ با این‌همه دائماً به ما گفته می‌شود زنانگی در خطر است، زن باشید و زن بمانید! بنابراین ماده انسانی لزوماً زن نیست، بلکه باید در این واقعیت مرموز و موردتهدید که عبارت از زنانگی است، شرکت جوید.» باز می‌پرسد: «آیا این زنانگی مترشح از تخمدان‌هاست یا در اعماق آسمان افلاطونی منعقد شده است؟» مید نیز مانند دوبار نتیجه می‌گیرد که هیچ‌گونه اساسی وجود ندارد که برخی رفتارها را خاص زنان و پاره‌ای دیگر را خاص مردان بدانیم و خصوصیات زنانه و مردانه تحت تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی است که شکل می‌گیرد (رودگر، ۱۳۸۸). بنابراین، فمینیست‌ها تفکیک و جداسازی حوزه‌های عمومی و خصوصی و نگه داشته شدن زنان در عرصه خصوصی، یعنی خانواده، را امری به نفع آن‌ها ندانسته و معتقدند که عرصه‌های خصوصی عموماً در دستور کار حکومت‌ها قرار نمی‌گیرند و دولت‌ها نسبت به آن بی‌توجه هستند، لذا در دستور کار خود قرار نمی‌دهند. بنابراین، چهارچوب‌هایی که خصوصی دانسته می‌شوند، از قیدوبندهای قانونی آزاد خواهند بود و در نتیجه، خواه‌ناخواه خانه به قلمرو حکمرانی، استبداد و زورگویی مردان و استثمار زنان تبدیل می‌شود.

کارکردگرایی

دیدگاه کارکردگرایی ساختی، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نظریات موردتوجه جامعه‌شناسان در تجزیه‌وتحلیل مسائل خانوادگی (آزادارمکی، ۱۳۸۹)^{۲۳} در مقابل نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی و دیدگاه‌های فمینیست‌ها در خصوص خانواده و به‌طور کلی حوزه خصوصی قرار می‌گیرد. پارسونز در بحث تئوری تفکیک نقش‌ها، بر آن است که انطباق افراد با هنجارهای اجتماعی موجب به حداقل رسیدن تعارض‌ها خواهد شد و زنان و مردان باید برای هرچه بهتر انجام‌دادن کارکردهای خود، با ساختارهای نهادی‌شده جامعه تطبیق پیدا کنند. پارسونز دو عنصر عمده را در تشکیل خانواده دخیل می‌داند: تفکیک بر مبنای جنسیت و تفکیک بر مبنای سن (ناصری و دیگران^{۲۴}، ۱۳۹۵). پارسونز، مناسب‌ترین و کارآمدترین نوع خانواده برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه صنعتی را خانواده هسته‌ای می‌داند. او نیز همچون دیگر جامعه‌شناسان سنت کارکردگرایی، خانواده هسته‌ای را عهده‌دار نقش‌های تخصصی معینی در جوامع مدرن می‌داند. در خانواده «عرفی» یکی از بزرگ‌سالان می‌توانست بیرون از خانه کار کند و دیگری مراقبت از خانه و کودکان را بر عهده گیرد و این تخصصی‌شدن نقش‌ها در خانواده هسته‌ای مستلزم این بود که شوهر به‌عنوان نان‌آور نقش «بزاری» را بر عهده بگیرد و زن نقش «احساسی» و عاطفی را (گیدنز، ۱۳۸۹).

پارسونز نقش‌های خانوادگی را بر اساس جنس تفکیک می‌کند. وی معتقد است کسب مهارت و تخصص در زمینه ایفای نقش‌های خانوادگی باید متناسب با استعدادهای طبیعی و بالقوه اعضا باشد که قهرماً متفاوت است و تفاوت آن‌ها از ساختارهای ویژه روانی و جسمی هر یک از دو جنس ناشی می‌شود. از دید وی، بسیاری از وظایف گذشته خانواده اکنون به نهادها و سازمان‌های دیگر سپرده شده و امروزه دو کارکرد اجتماعی کردن کودکان و حفظ ثبات و استحکام شخصیت بزرگ‌سالان و کسب تعادل روانی آن‌ها مهم‌ترین کارکردهای خانواده است که تداوم و بقای این کوچک‌ترین نهاد اجتماعی وابسته به آن می‌باشد (کافی و دیگران،^{۲۵} ۱۳۹۵). بیشترین بازدهی و کارایی خانواده زمانی است که تقسیم‌کار به‌صورت کاملاً شفاف و واضح چنان

باشد که زنان نقش‌های عاطفی، یعنی تأمین مراقبت و امنیت برای کودکان و حمایت عاطفی از آن‌ها را بر عهده داشته باشند و مردان نقش‌های ابزاری را؛ یعنی نان‌آور خانواده باشند (گیدنز، ۱۳۸۹).

بنابراین پارسونز، ساخت نقش‌های زن و مرد را مرتبط با وظایفشان درباره نظام خانواده دانسته و مورد بررسی قرار می‌دهد (میشل، ۲۶، ۱۳۵۴). پارسونز بر آن است که وجود دو تفاوت اساسی در میان اعضای گروه کوچک خانواده شرایط دستیابی به حداکثر کارکردهای خانواده هسته‌ای را فراهم می‌کند؛ شرط اول عبارت است از وجود دو قطب مخالف رهبری و زیردستان (محور سلسله‌مراتبی قدرت نسبی)؛ شرط دوم عبارت است از وجود اختلاف در میان نقش‌های ابزاری و نقش‌های بیانگر. فقط با تقسیم نقش بر اساس جنس، یعنی تقسیم نقش بر اساس نقش‌هایی که جنبه ابزاری (مردانه) و نقش‌هایی که جنبه بیانگر (زنانه) دارند، امکان بقا و همبستگی خانواده وجود خواهد داشت. در این تقسیم نقش، حدود وظایف هر یک از والدین مشخص شده تا از اغتشاش و به‌هم‌ریختگی نقش‌ها و از ایجاد وضعیت رقابتی در خانواده که به‌فرض ممکن است ناشی از دخالت زن در فعالیت‌های شغلی باشد و در نهایت به ازهم‌پاشیدگی خانواده بینجامد، جلوگیری کند (اعزازی، ۱۳۸۹). به‌طور مثال، چنانچه زن از موقعیت شغلی همسان با همسرش برخوردار باشد، این امر به رقابت بین آن‌ها و نهایتاً ناسامانی‌های خانوادگی منجر خواهد شد (ساروخانی، ۲۷، ۱۳۸۰).

همان‌طور که گفته شد پارسونز وجود دو قطب رهبری و زیردستان را اولین شرط دستیابی خانواده هسته‌ای به حداکثر کارکردهایش می‌داند (اعزازی، ۱۳۸۹) و نظارت بر هرچه بهتر انجام شدن وظایف خانواده و حفظ یکپارچگی آن را به مرد می‌سپارد؛ به این دلیل که مسئولیت نظارت و رهبری را شایسته فردی می‌داند که مطلع‌تر و آگاه‌تر از دیگر اعضای خانواده باشد. از آنجا که پدر، نسبت به بقیه اعضا حضور بیشتری در جامعه و ارتباط گسترده‌تری با نهادها و سازمان‌های اجتماعی دارد، نقش نظارت بر حسن انجام وظایف را به وی می‌سپارد. اوست که باید نظم و انسجام خانواده را با اعمال قدرت خود تأمین و حفظ کند. بنابراین برتردانستن مرد به لحاظ جسمی و روحی که ایفای نقش نان‌آوری را برایش به همراه می‌آورد و مطلع‌تر دانستن وی نسبت به مسائل که نقش نظارت و رهبری را به وی واگذار می‌کند، چگونگی سلسله‌مراتب قدرت در خانواده را از نظر پارسونز تا اندازه زیادی آشکار می‌کند (کافی و دیگران، ۱۳۹۵). بنابراین می‌توان گفت پارسونز نیز بین زنان و مردان در مورد چگونگی حضور در عرصه عمومی و خصوصی تفاوت قائل می‌شود که این تفاوت نقطه مقابل نظریات فمینیست‌ها قرار می‌گیرد.

نظریه نمایش گافمن

گافمن زندگی اجتماعی را به‌سان اجرای بازیگران روی صحنه تئاتر می‌بیند. از آنجا که آدم‌ها برای نگاه‌داشتن تصویر ثابتی از خود، برای مخاطبان اجتماعی‌شان نقش اجرا می‌کنند و دائماً در تلاش‌اند جنبه‌ای از خود را نمایش دهند که موردپذیرش و تأیید دیگران باشد، زندگی اجتماعی نیز می‌تواند همانند یک رشته اجرای نقش‌های نمایشی شبیه ایفای نقش در صحنه نمایش باشد (ریتزر، ۲۸، ۱۳۷۴). برای درک درستی از نظریه نمایشی گافمن باید به سه مفهوم کلیدی نظریه او یعنی اجرا، نمود خود و مدیریت تأثیرگذاری بپردازیم. اجرا به همه فعالیت‌های هر فرد مشخص اطلاق می‌شود که در مناسبت مشخصی، به‌شکلی هر یک از مشارکت‌کنندگان دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر مشارکت‌کننده خاص و اجرای وی را به‌عنوان نقطه

ارجاع اولیه برگزینیم، آنگاه می‌توان افرادی را که دیگر اجراها را شکل می‌دهند، به‌عنوان حضار، مشاهده‌گران و مشارکت‌کنندگان معرفی کرد (گافمن، ۲۶).

مفهوم خود در دیدگاه گافمن به‌وسیلهٔ رویکرد نمایشی او شکل داده می‌شود. از نظر وی، خود‌داریی کنشگر نیست؛ بلکه محصول کنش متقابل نمایشی میان کنشگر و مخاطبان است. به‌عبارت بهتر، خود مفهومی از کیستی شخص و اثری نمایشی است که از صحنهٔ بی‌واسطه‌ای در حال ارائه‌شدن، پدیدار می‌شود. هنگامی که افراد به کنش متقابل می‌پردازند، می‌خواهند مفهوم خاصی از خود را ارائه دهند که دیگران آن را بپذیرند و امیدوارند آن مفهومی از خود که به مخاطبان ارائه می‌دهند به‌اندازهٔ کافی قدرتمند باشد که مخاطبان را وادارد کنشگران را آن‌گونه تعریف کنند که می‌خواهند. کنشگران همچنین امید دارند که این امر باعث خواهد شد مخاطبان به‌طور ارادی آن‌گونه عمل کنند که کنشگران از آنان می‌خواهند. گافمن این کنش اصلی را مدیریت تأثیرگذاری توصیف می‌کند که متضمن تکنیک‌هایی است که کنشگران به کار می‌برند تا در برابر مسائلی که احتمال دارد با آن‌ها روبه‌رو شوند و روش‌هایی که برای مقابله با این مسائل به کار می‌برند، تأثیرات معینی را حفظ کنند (ریترز، ۱۳۸۹). گافمن به‌دنبال این قیاس نمایشی، از مناطق جلو و پشت‌صحنه صحبت می‌کند. به‌گفتهٔ او، بخش اعظم زندگی اجتماعی را می‌توان به دو ناحیهٔ پشت‌صحنه و ناحیهٔ جلوی صحنه تقسیم کرد.

به‌زعم وی، در هر کنش متقابلی یک جلوی صحنه وجود دارد که با پیش‌صحنهٔ اجرای تئاتری قرینه است. مناطق جلوی صحنه موقعیت‌های اجتماعی یا برخوردهایی هستند که در آن افراد نقش‌های رسمی یا دارای اسلوب را بازی می‌کنند. هم‌بازیگران صحنهٔ تئاتر و هم زندگی اجتماعی، هر دو به حفظ ظاهر، لباس مناسب پوشیدن و وسایل صحنه‌آرایی علاقه‌مندند. وانگهی، در هر دو اجرا، پشت‌صحنه وجود دارد که افراد می‌توانند وسایل و اسباب لازم برای نمایش را مهیا کرده و خود را برای کنش متقابل در محیط‌های رسمی‌تر آماده سازند. مناطق پشت‌صحنه شبیه پشت‌صحنهٔ تئاتر یا فعالیت‌های مربوط به فیلم‌برداری در زمانی است که دوربین خاموش است. مردم هنگامی که کاملاً در پشت‌صحنه هستند، می‌توانند آسوده باشند و احساسات و رفتارهایی را که به‌هنگام حضور روی صحنه کنترل می‌کنند، آزادانه ابراز کنند (گیدنز، ۱۳۸۷).

احتمالاً بتوانیم خانه را، تا حدودی به نظر گافمن در مورد پشت‌صحنه یعنی جایی که واقعیت‌های جلوی صحنه وا پس زده می‌شوند و انواع کنش‌های غیررسمی ممکن است در آن رخ دهد شبیه بدانیم (کرایب، ۳۰: ۱۳۸۱: ۱۱۲). در زندگی روزمره، خانه این قابلیت را دارد که نقش یکی از مهم‌ترین پشت‌صحنه‌ها را بازی کند. جایی که اعضای دیگر تا حدود زیادی مجبور نیستند از چگونه قضاوت شدن واهمه‌ای داشته باشند و می‌توانند خود واقعی‌شان را نشان دهند. پس مفهوم جلو و پشت‌صحنه می‌تواند در مورد دنیای درون و بیرون از خانواده نیز صادق باشد. اعضای خانواده با ورود به چهارچوب خانواده آرامش می‌یابند و از هیاهوها و نمایش‌ها و چهارچوب‌های تعیین‌شدهٔ زندگی در دنیای بیرون فاصله می‌گیرند. می‌توانند خودشان را به نمایش بگذارند، آنچه جلو یا روی صحنه اجازهٔ انجام‌دادنش را ندارند انجام دهند، به آن فکر کنند، شادی و ناراحتی‌شان را همان‌گونه که دوست دارند نشان دهند، خود را ترمیم کنند و زمینهٔ رشد و تکامل شخصیت و تعقیب اهداف و غایاتشان را فراهم نمایند.

ذهنیت قانون‌گذار: حریم خصوصی در قانون مدنی

همان طور که گفته شد، در پژوهش حاضر برآنیم تا پس از بررسی نظر زوج‌های ایرانی در مورد حریم خصوصی، نظرات و دیدگاه‌ها و در واقع واقعیت زندگی زوجین را در مقایسه با قوانین موجود در این زمینه بررسی کنیم و بینیم فاصله واقعیت زندگی تا قوانین موجود تا کجاست. از این رو، به موضوع حریم خصوصی در قانون مدنی می‌پردازیم.

شهروندان هر کشور، بیشتر از قانون اساسی که بیان‌کننده سیاست‌ها، اصول و قواعد کلی اداره آن کشور است، در زندگی روزمره با قانون مدنی مواجه هستند که مجموعه‌ای از مواد قانونی است و اساسی‌ترین قواعد قانونی حاکم بر ارتباطات اشخاص با یکدیگر را در جامعه بیان کرده و بایدها و نبایدهای آن را مشخص می‌کند. در قانون مدنی ایران، اصطلاح حریم خصوصی به کار برده نشده و مورد توجه و حمایت صریح قرار نگرفته است. فقط می‌توان به صورت کاملاً غیرمستقیم و ضمنی، برخی مواد قانون مدنی را حامی حق مذکور دانست.

به طور مثال، ماده ۹۵۶ قانون مدنی بیان می‌دارد: «اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود.» یا در ماده ۹۵۸ می‌خوانیم: «هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود، لیکن هیچ‌کس نمی‌تواند حقوق خود را اعمال کند، مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.» واژه‌های «حقوق» در هر دو ماده می‌تواند حق حریم خصوصی را نیز دربرگیرد.

قانون مدنی تنها در ماده ۱۳۶ به توضیح حریم پرداخته است که مربوط به محدوده اطراف املاک و اراضی است و ارتباطی با حق حریم خصوصی ندارد: «حریم، مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد.» بنابراین در قانون مدنی، توجه خاصی به حریم خصوصی در تمام ابعاد و زوایای آن نشده است.

روش

فرضیه تحقیق: میان ذهنیت قانون‌گذار ایران در قانون مدنی و ذهنیت زوجین تطابق چندانی وجود ندارد. این پژوهش از نوع مطالعه موردی کیفی است که به روش تحلیل تفسیری در چند مرحله انجام شد. ابتدا مبانی نظری و اسناد و مدارک مرتبط با حوزه حریم خصوصی مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به تحلیل محتوای کیفی، شاخص‌های مبانی نظری از آن‌ها استخراج شد. قبل از شروع پژوهش، تعداد مشارکت‌کنندگان در پژوهش به طور واضح مشخص نبود؛ اما با توجه به اشیاع نظری پژوهش، این تعداد به ۳۶ نفر رسید که برای سنجش دقیق‌تر با تعداد ۳۸ نفر مصاحبه انجام شد. مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر از میان زوج‌های داوطلب تهران با میانگین سنی ۲۵ تا ۵۰ سال انتخاب شدند که متأهل بوده، میان خود و همسر خود فضای خصوصی داشته و متمایل به در میان گذاشتن کیفیت فضای خصوصی خود و همسر خود بودند.

اعتبارسنجی یافته‌های پژوهش

روش‌های مختلفی برای اعتبارسنجی یافته‌های کیفی وجود دارد که در پژوهش حاضر از روش چندسویه‌سازی استفاده شد: ۱. روش بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان پژوهش؛ ۲. مرور توسط خبرگان

غیرشرکت‌کننده در پژوهش (استادان حوزه علوم اجتماعی و مطالعات زنان در دانشگاه)؛ ۳. مقایسه شاخص‌های به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها با شاخص‌های به‌دست‌آمده از مبانی نظری.

تعریف حریم خصوصی

ارائه تعریفی واحد از حریم خصوصی، با توجه به تفاوت و نسبی بودن معنی آن از فردی به فرد دیگر و از فرهنگ و کشوری به فرهنگی دیگر، بسیار سخت می‌نماید؛ ولی با وجود همه چالش‌ها، به‌منظور ارائه تعریف دقیقی از حریم خصوصی در تحقیق پیش رو، با هدف تسهیل امر پژوهش و دستیابی به یک نتیجه برای پیشبرد مطالعه، تعریف ارائه‌شده در لایحه حمایت از حریم خصوصی مبنا قرار گرفته است؛ در این لایحه، سه عنصر شناسایی شده است: ۱. محرمانه‌بودن (میزان اطلاعات درباره یک شخص)؛ ۲. ناشناس بودن (میزان توجه به شخص)؛ ۳. تنهایی (میزان دسترسی فیزیکی به شخص). در لایحه مذکور می‌خوانیم: «حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً و یا با اعلان قبلی در چهارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶).

در این تعریف دو ضابطه در نظر گرفته شده است: ۱. ضابطه نوعی یا عرفی؛ ۲. ضابطه شخصی. به‌موجب ضابطه نوعی یا عرفی، برخی جنبه‌های زندگی انسان‌ها از دید عرف، حریم خصوصی آن‌ها محسوب می‌شود؛ از همین رو، ورود به آن نقض حریم خصوصی به حساب می‌آید. به‌موجب ضابطه شخصی، انسان‌ها علاوه بر اینکه نوعاً یا عرفاً دارای حریم خصوصی هستند، می‌توانند برخی جنبه‌های زندگی خود را که از نظر عرف، در قلمرو حریم خصوصی قرار نمی‌گیرد، داخل در مسائل شخصی و حریم خصوصی خود کرده و از آن محافظت کنند (مشهدی و محمدلو، ۱۳۹۵).

بیان یافته‌ها

با مصاحبه‌های انجام‌گرفته، حریم خصوصی در روابط زوجین در قالب نه شاخص به دست آمد: ۱. حریم اماکن و منازل؛ ۲. حریم اطلاعاتی؛ ۳. حریم ارتباطی؛ ۴. حریم مالی؛ ۵. حریم مادی؛ ۶. حریم عاطفی؛ ۷. حریم شخصیت؛ ۸. حریم جنسی؛ ۹. حریم جسمانی.

۱. حریم اماکن و منزل

خانم کد ۸ می‌گوید: «من گاهی اوقات تنها بیرون می‌رم قدم می‌زنم یا با دوستانم پارک می‌روم، خونه پدرم یا خواهرم می‌رم، هر روز ساعتی از بعدازظهر رو توی اتاقم، گرچه بچه‌ها رعایت نمی‌کنن، ولی شوهرم رعایت می‌کنه و مزاحم من نمی‌شه. همه ساعتی نیاز دارن که تنها باشن. شوهرم هم خیلی وقتا تنها می‌ره بیرون، تنها می‌ره خونه فامیلش، حتی خونه پدر من.»

۲. حریم اطلاعاتی

خانم کد ۱۲ می‌گوید: «اینکه در خانواده من چی می‌گذره به شوهرم مربوط نیست. نیازی نیست اون بدونه زندگی خواهر و برادر من چطوره یا اینکه چه مسائل و مشکلاتی تو خانواده داریم. کلاً هرچی شوهر

کمتر بدونه بهتره. این طوری نمی‌تونه سرکوفت بزنه. اینکه در گذشته من چه اتفاق‌هایی افتاده یا مثلاً چی شد خواهرم از نامزدش جدا شد، چیزایی نیست که لازم باشه شوهرم بدونه.»

حریم ارتباطی

آقای کد ۱۰ می‌گوید: «اینکه من با خانواده‌م ارتباط دارم یا نه به خودم مربوطه. به همسرم ربطی نداره که من با خانواده‌م رفت‌وآمد و مکالمات تلفنی دارم. اینکه با دوستان بیرون می‌رم و کلاً اینکه با کی دوست باشم، به خودم ربط داره. او حق بررسی گوشی من و اینکه ببینه با چه کسانی در ارتباطم یا عضو چه گروه‌هایی هستم رو نداره، ولی رعایت نمی‌کنه. مدام در حال سرک کشیدن به گوشی منه... مکالمات و رفت‌وآمدم رو چک می‌کنه.»

حریم مالی

آقای کد ۱۴ می‌گوید: «چه دلیلی داره همسرم از امور مالی من سر در بیاره... من هر ماه خرجی خونه رو می‌دم، اضافه‌تر هم می‌دم. همه‌چیز خودم می‌خرم، این خرجی برای خودش هست. من باید به فکر آینده بچه‌ها باشم، یه چیزی پس‌انداز کنم. پول رو بدم دست خانمم همه‌ش خرج می‌شه. من یه درصدی از درآمد رو می‌دم به پدر و مادرم، مال خودمه، حق دارم، اما اگر بفهمه غوغا به پا می‌کنه.»

حریم مادی

خانم کد ۶ می‌گوید: «میز آرایش، وسایلی مثل کیف‌دستی، کمد لباسم جزء حریم خصوصی‌مه. اما شوهرم اصلاً رعایت نمی‌کنه. چند بار دیدم کیف من رو باز کرده. خب این باعث شد منم تحریک بشم، برم به وسایل اون سرک بکشم.»

حریم عاطفی

خانم کد ۱۴ می‌گوید: «اینکه چی تو ذهن من می‌گذره، به چی علاقه دارم یا ندارم، به خودم مربوطه، قبلاً کسی رو دوست داشتیم، چه دلیلی داره شوهرم و خانواده‌ش بدونن. اگه شوهرم بدونه، هر وقت اون شخص رو ببینیم یا بریم خونه‌شون، اضطراب بهم دست می‌ده. چون از فامیل هست و مایه دردرس می‌شه. احساسات من به خودم مربوطه.»

حریم شخصیت

آقای کد ۵ می‌گوید: «من یه فرد مذهبی خشک نیستم، ولی عقیده دارم انسان باید در یه چهارچوبی حرکت کنه. اینه که من هرجایی نمی‌رم یا هر لباسی نمی‌پوشم. در شأن خودم نمی‌بینم با بعضی آدم‌ها رفت‌وآمد داشته باشم. به خانمم سخت نمی‌گیرم، اما نباید پوشش جلف باشه. درسته هر آدمی حق داره پوشش رو خودش انتخاب کنه، اما نباید با آبروی خانواده در تضاد باشه.»

حریم جنسی

خانم کد ۲ می‌گوید: «اینکه در خلوت بین ما چی می‌گذره، خیلی خصوصیه. شرم‌آوره بخوایم در موردش حرف بزنیم. شوهرم گفت ما مردها می‌نشینیم دور هم در این مورد صحبت می‌کنیم، شما زنا چطور؟ خیلی ناراحت شدم. گفتم یعنی چی؟ چطوری می‌تونن چیزی که بین ماست رو به بقیه بگی؟ شرم‌آوره. ولی اون

گفت مگه چی می‌شه! دلمون می‌خواد، می‌گیم. از تجارب هم استفاده می‌کنیم. وقتی دوستاش رو می‌بینم، یادم میاد به این حرفا واقعاً خجالت می‌کشم. حس خیلی وحشتناکی بهم دست می‌ده. می‌گم نکنه در مورد اندامم هم چیزی گفته باشه.»

حریم جسمانی

خانم کد ۹ می‌گوید: «من می‌خواستم کلیه‌م رو اهدا کنم به برادرم، شوهرم نمی‌داشت. می‌گفت این‌طوری ناقص می‌شی، طلاق می‌دم. در صورتی که بدن خودم بود. حق داشتم هرطوری دلم می‌خواد تصمیم بگیرم. منم اهدا کردم تا مدتی اذیتم کرد، ولی بالاخره فهمید کارش اشتباه بوده. در مورد ظاهر هم خیلی ایراد می‌گیره که چاق شدی و... برو باشگاه، رژیم بگیر و فلان. اما من دوست ندارم برم، چون از بدن خودم راضی هستم. اما من کاری به ظاهر اون ندارم. با اینکه دلم می‌خواد مو بکاره ولی وقتی گفت نمی‌خوام دردرس داره، دیگه چیزی نگفتم... به هر حال بدن خودشه.»

نتیجه‌گیری

بررسی‌ها نشان داد که پاسخ فرضیه یا سؤال اصلی این است که میان ذهنیت قانون‌گذار ایران و ذهنیت محققان دربارهٔ حریم خصوصی از یک سو و میان ذهنیت زوجین ایرانی و ذهنیت قانون‌گذار از سوی دیگر، تطابق کاملی وجود ندارد. زوجین ایرانی موردبخت، دیدگاه‌های متفاوتی داشتند که به بیان علمی جامعه‌شناختی بدین معنی است که ذهنیت آن‌ها در کنش‌های مربوط به حریم خصوصی مختلف بوده است. این پژوهش نشان داد که هرچند درک بیشتر زوجین از حریم خصوصی، در محدودهٔ زندگی زناشویی و روابط خاص زن و شوهری بوده، خاستگاه فرهنگی هرکدام از کنشگران مورد مطالعه نیز در ذهنیت و تعریفی که از حریم خصوصی داشته‌اند، متفاوت بوده است. مواردی که به‌عنوان مصادیق حریم خصوصی، به‌طور پراکنده در قوانین ایران آمده است، با ذهنیت کنشگران جهانی و زوجین هم‌خوانی دارد؛ گرچه در رابطه با حریم خصوصی زوجین قوانین شفاف‌تری تدوین نشده است، در موارد متعدد مشاهده می‌شود که تعدی هرکدام از زوجین به حریم اموال، شخصیت و حریم جسمانی همسر، محکومیت و مجازات به همراه دارد. پس با قطعیت نمی‌توان گفت به‌طور کلی این موارد در قوانین نادیده گرفته شده است. البته بیشتر زوجین از قوانین حریم خصوصی اطلاعی ندارند و این موضوع یکی از دلایل نادیده گرفتن حقوق یکدیگر می‌شود.

بین ذهنیت کنشگران و نظریه‌های حریم خصوصی تفاوت چندانی نیست و مواردی که زوجین به‌عنوان مصادیق حریم خصوصی ذکر کرده‌اند، کمابیش در نظریه‌ها هم آمده، همان‌طور که به‌صورت پراکنده در قوانین نیز ذکر شده است. اما به نظر می‌رسد ذهنیت کنشگران به نظریه‌ها نزدیک‌تر است تا به ذهنیت قانون‌گذاران. البته چون قوانین کاملاً شفاف و دقیقی در این مورد تصویب نشده است، نمی‌توان با قطعیت این مقایسه را انجام داد.

آنچه به‌عنوان پیشنهاد از این بررسی می‌توان ارائه کرد این است که باید با جمع علمی، میان سه ذهنیت نظریه‌پردازان و قانون‌گذار ایران و ذهنیت کنشگران (به‌خصوص اعضای خانواده و به‌طور اخص زن و شوهر) به

تحول و تغییر در قانون مبادرت کرد. البته در این میان باید به گفتمان‌های حقوقی رایج در ایران و نیز بیانیه هشت‌ماده‌ای امام‌خمینی درباره حریم خصوصی نیز توجه جدی‌تری نشان داد.

پی‌نوشت‌ها

1. Javan
2. Mousazade & Mostafazade
3. Nowruzi
4. Habermas
5. Gall
6. Hasanzade
7. Naghibi
8. Asaran Ghomi
9. Pourabdollah, & Jilzade
10. Mirkheshti
11. Akbarnejad & Ayatollahi
12. Ghodrati
13. Christopher Kreitz
14. Marry Claire Morr Serewicz & Fran C. Dickson & Jennifer Huynh Thi Anh Morrison & L. Lori Poole
15. Pamela .J Lannutti
16. Bernardes
17. Roudgar
18. Giddens
19. Ezazi
20. Abbott & Wallace
21. Hominfar
22. Mill
23. Azad Armaki
24. Soheila Naseri & Bagher Saroukhani & Fereydoun Vahida & Shapour Behyan
25. Majid, Kafi & Leila, Bahmani & Maryam Sadat Delavar
26. Michel
27. Saroukhani
28. Ritzer
29. Goffman
30. Craib
31. Mashhadi & Mohamadlo

منابع

- آبوت، پ.، و والاس، ک. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی زنان. تهران: نشر نی.
- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: سمت.
- اروینگ، گ. (۱۳۹۱). نمود خود در زندگی روزمره. تهران: مرکز.
- اعزاز، ش. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- برناردز، ج. (۱۳۸۴). درآمدی به مطالعات خانواده. تهران: نشر نی.
- پورعبدالله، ک.، و جیلزاده، س. (۱۳۹۳). حل تراحم حریم خصوصی زوجین با حقوق زوجیت بر اساس مصلحت تحکیم خانواده، مطالعات راهبردی زنان. ۱۷ (۶۶)، ۴۶-۷.
- جوان، ص. (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت معلم: تهران.
- حسن‌زاده، ص. (۱۳۹۲). عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی، معارف قرآنی. ۴ (۱۵)، ۴۵-۶۸.
- حسینی اکبرنژاد، ه.، و آیت‌اللهی، س (۱۳۹۹). بررسی تحلیلی - تطبیقی حریم خصوصی زنان در خانواده، مطالعات راهبردی زنان، ۲۲ (۸۸)، ۳۱-۷.
- رحم‌دل، م. (۱۳۸۴). حق انسان بر حریم خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۷۰، ۱۴۵-۱۱۹.
- رودگر، ن. (۱۳۸۸). فمینیسم. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

- ریترز، ج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. تهران: علمی.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۰). *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*. تهران: کیهان.
- عصاران قمی، م. (۱۳۹۱). *حمایت کیفری از حریم خصوصی در فقه امامیه و حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی: تهران.*
- قدرتی، م. (۱۳۹۶). *احکام فقهی حریم خصوصی در مناسبات و روابط اعضای خانواده، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته فقه و مبانی حقوق، دانشگاه قم.*
- کافی، م. و بهمنی، ل. و دلاور، م. (۱۳۹۵). *سرمایه فرهنگی زنان و ساختار توزیع قدرت در خانواده، زن در توسعه و سیاست، ۱۱(۱)، ۱۰۵-۱۲۳.*
- کریاب، ی. (۱۳۷۸). *نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس*. تهران: آگاه.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی*. تهران: نشر نی.
- لایحه حمایت از حریم خصوصی. (۱۳۸۶). <https://rc.majlis.ir> (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)
- مشهدی، ع. و محمدلو، س. (۱۳۹۵). *مطالعه تطبیقی مفهوم و معیار حق حریم خصوصی؛ رویکرد عرفی و فرهنگی، پژوهش‌های حقوق تطبیقی ۲، ۱۴۶-۱۲۵.*
- موسی‌زاده، ا. و مصطفی‌زاده، ف. (۱۳۹۱). *نگاهی به مفهوم و مبانی حق بر حریم خصوصی در نظام حقوقی عرفی، فصلنامه بررسی‌های حقوقی عمومی، ۲، ۶۷-۴۵.*
- میشل، آ. (۱۳۵۴). *جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج*. تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- میرخشتی، ف. (۱۳۹۲). *حریم خصوصی بین همسران: عرصه تعاملات و تعارضات، جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۴(۴)، ۱۸۴-۱۶۵.*
- ناصری، س. و ساروخانی، ب. و وحید، ف. و بهیان، ش. (۱۳۹۵). *بررسی جامعه‌شناختی گونه‌شناسی خانواده و فرزندمداری در شهر تهران، توسعه اجتماعی، ۱۰(۴)، ۳۲-۷.*
- نقیبی، ا. (۱۳۸۹). *حریم خصوصی در مناسبات و روابط اعضای خانواده، فقه و حقوق خانواده، ۱۵(۵۲)، ۲۴-۱.*
- نوروزی، ف. (۱۳۹۵). *جهانی‌شدن حمایت کیفری از حریم خصوصی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی: تهران.*
- هابرماس، ی. (۱۹۶۲). *دگرگونی ساختاری فضای عمومی: تحقیقی در مقوله جامعه بورژوا، تهران: افکار.*
- هومین فر، ا. (۱۳۸۲). *تحول جامعه‌پذیری جنسیتی، پژوهش زنان، ۱(۷)، ۱۱۵-۸۹.*
- Claire, M. S., Marry, C., Dickson, J., Huynh Thi, A., & L., P. (2007). Family Privacy Orientation, Relational Maintenance, and Family Satisfaction in Young Adults' Family Relationships. *Journal of family communication*, 7(2), 123-142.
- Gal, S. (2002). A Semiotics of the Public/Private Distinction, *A Journal of Feminist Cultural Studies*. 13(1), 77-95.
- Johnson, B., & Christensen, L. (2008). *Educational research: quantitative, Qualitative and Mixed Approaches*, London: Sage Publication.
- Creswell, J. W. (2009). *Qualitative Inquiry and Research Design, Choosing among Five Approaches*. California: Sage Publication.
- Kreitz, C. (2020). *Boundaries in Marriage*. Sage Publication.
- Lannutti, P. J. (2013). Same-Sex Marriage and Privacy Management: Examining Couples' Communication with Family Members, *Journal of Family Communication*, 13, 60-75.
- L. A., & Erin, M. (1991). *How Privacy Got Its Gender*, University of Pennsylvania Publication.
- Rosenblatt, P., & Linda, B. (2010). Territoriality and Privacy in Married and unmarried cohabiting couples, *The journal of social psychology*, 97(1), 67-76.

- Abbott, P., & Claire, W. (2001). *sociology of women*, translated by Najm Eraghi, M. Tehran: Ney Publication [in Persian].
- Asaran Ghomi, M. (2012). "Criminal Protection of Privacy in Imami Jurisprudence and Law of Iran", Master thesis in family law, Tehran Islamic Azad University [in Persian].
- Azad Armaki, T. (2010). *sociology of the Iranian family*, Tehran: Samat publication [in Persian].
- Bernardes, J. (2005). "*an introduction to family studies*", translated Ghazyan, H. Tehran: Ney Publication [in Persian].
- Craib, J. (1999). A modern social theory from Parsons to Habermas, translated by Mokhber, A. Tehran: Agah Publication [in Persian].
- Erving, G. (2012). the presentation of self in *everyday life*, translated Kyanpour, M., Tehran: Markaz publication [in Persian].
- Ezazi, Sh. (2010). *Sociology of the family*. Tehran: Rowshangaran publication [in Persian].
- Ghodrati, M. (2017). *jurisprudential rules of privacy in communications and relationships of family members*, a master thesis in law, University of Qom [in Persian].
- Giddens, A. (2010). *sociology*, translated by Chavoshyan, H. Tehran: Ney Publication [in Persian].
- Habermas, J. (1962). *Structural transformation of the public space: research in the bourgeois society*, translated by Mohammadi, J. Tehran: Afkar Publication [in Persian].
- Hasanzade, S. (2013). Factors of family consolidation in the Islamic culture, *Quranic knowledge*, 4(1), 23-42 [in Persian].
- Hominfar, E. (2003). the evolution of gender socialization, *women's research*, 1(1), 90-97 [in Persian].
- Hoseini Akbarnezhad, H., & Ayatollahi, S. (2020). an analytical- Comparative study of women's privacy in the family, *strategic studies of women*, 22(88), 7-31 [in Persian].
- Javan, S. (2011). Civil liability derived from violation of privacy, a master thesis in law. Tarbiat Moallem University [in Persian].
- Kafi, M., Bahmani, L. & Sadat Delavar, M. (2016). women in development and politics, 14(1), 7-20 [in Persian].
- Michel, A. (1975). *sociology of family and marriage*, translated by Behnam, J. Tehran: Faculty of Social Sciences and Cooperation Publication [in Persian].
- Mirkheshti, F. (2013). Privacy between spouses: the field of interactions and conflicts, *the cultural sociology*, 4(4), 165-184 [in Persian].
- Mousazade, E., & Mostafazade, F. (2012) A review of the concept and principles of the right to privacy in the customary legal system, *Quarterly journal of public legal surveys*, 2, 66-81 [in Persian].
- Naghibi, A. (2010). Privacy in the communications and relations of family members, *jurisprudence and family law*, 15(52), 1-24 [in Persian].
- Naseri, S., Saroukhani, B., Vahida, F., & Behyan, Sh. (2016). A sociological study of the family typology and child-orientedness in the city of Tehran, *social development*, 10(4), 14-21 [in Persian].
- Nowruzi, F. (2016). Globalization of criminal protection of privacy, a master thesis in law, Tehran Islamic Azad University [in Persian].
- Pourabdollah, K., & Jilzade, S. (2014). Resolving the privacy conflict of couples with marital rights based on the interest of family consolidation, *strategic studies of women*, 17(66), 7- 46 [in Persian].
- Rahmdel, M. (2005). human rights for privacy, *journal of the Faculty of Law and Political Science*, 70(12), 40-52 [in Persian].

- Ritzer, G. (1995). *the theory of sociology in the Contemporary era*, translated by Salasi, M. Tehran: Elmi publication [in Persian].
- Roudgar, N. (2009). *Feminism, office of women's studies and research*, 2(3), 17-42.
- Saroukhani, B. (2001). *An introduction to the encyclopedia of social sciences*, Tehran, Kayhan Publication.

